نویسنده : شیوان مهاندراراجا «Shivan Mahendrarajah»

منبع وتاریخ نشر : کریدل «2026-11-19».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

آیا ایران باید پیش‌دستی کند؟ استدلال‌هایی به نفع اقدام پیش‌گیرانه

Should Iran strike first? The case for pre-emption

همزمان با تجمع نیروهای آمریکایی در اطراف ایران، تهران با فشار فزاینده‌ای مواجه است تا سیاست خود مبنی بر انتظار برای دریافت نخستین ضربه را کنار بگذارد

As US forces gather around Iran, Tehran faces growing pressure to abandon its policy of waiting for the first blow.



Photo Credit: The Cradle

جمهوری اسلامی ایران خود را به واکنش تنها پس از یک عمل تجاوزکارانه محدود نمی‌کند. در عوض، نشانه‌های ملموس تهدید را به عنوان بخشی از معادله امنیتی خود در نظر می‌گیرد.» —

دبیرخانه شورای عالی دفاع ایران، ۶ ژانویه ۲۰۲۶

جمهوری اسلامی ایران دوباره در نقطه عطفی قرار دارد. حمله کنیم یا منتظر حمله باشیم؟ در اوایل سال ۲۰۲۶، تهران نظاره‌گر تجمع د شمن بود. با وجود اظهارات گزاف مقامات ایرانی در مورد حملات پیشگیرانه و اعلامیه سیاست شورای عالی دفاع در بالا، تهران هیچ کاری نکرد.

دشمن دوباره در حال تجمع ا ست. دو گروه ضربت ناو هواپیما بر در منطقه مستقر شده‌اند. هواپیماهای سی-۵ و سی-۱۷ نیروی هوایی ایالات متحده، سامانه‌های تسلیحاتی و تدارکات را به پایگاه‌های کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اردن منتقل می‌کنند و هواپیماهای شنا سا یی به نظارت و نقشه برداری از اهداف در ایران ادامه می‌دهند. دشمن در حال تشدید لفاظی های خود و ایجاد رضایت برای جنایات جنگی است. به عنوان مثال، جنگ‌طلبی از واشنگتن دی سی و تل‌آویو فوران می‌کند، از جمله ادعاهایی مبنی بر وجود یک «بمب کثیف» ایرانی ، توطئه ای برای ترور دونالد ترامپ ، رئیس جمهور آمریکا و وزرای کابینه، و مقاله‌ای در مورد سدهای ایران . این چیزی است که جهان قبل از عراق شاهد آن بود. جنگ: داستان‌هایی که در رسا نه‌ها پخش می شوند تا مردم آمریکا را برای جنگ آماده کنند . دروغ «بمب کثیف» از داستا ن «بمب کثیف» عراق در سال ۲۰۰۲ «کپی و پیست» شده است.

دور دیگری از جنگ اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. آیا ایران باید اول حمله کند؟ نیکولو ماکیاولی در کتاب «شهریار» نوشت: «هرگز نباید اجازه داد که بی‌نظمی ادامه یابد تا از جنگ اجتناب شود، زیرا جنگ‌ها قابل اجتناب نیستند و فقط می‌توان آنها را به نفع دیگران به تعویق انداخت.» منظور او از «بی‌نظمی» — در میان موارد د یگر — خطر ایجاد رویه‌های نادرست و اجازه دادن به گسترش نارضایتی‌های داخلی بر اثر انفعال دولت بود.

جنگِ شرودینگر: نه جنگ، نه صلح

ایران در «جنگ نفت‌کش‌ها» در خلیج فارس شکست خورده است. با وجود هزینه‌های بالاترِ بیمه و حمل‌ونقل، و همچنین به خطر افتادن جان افراد، خدمه کشتی‌ها مسیر عمان را تحت اسکورت هوایی ایالات متحده در پیش می گیرند . در ۱۷ نوامبر، پنج نفت‌کش غول‌پیکر (VLCC) در حال بارگیری نفت در سواحل امارات متحده عربی بودند.

آن‌ها این مسیر را طی خواهند کرد؛ برخی موفق خواهند شد. جریان نفت به سوی بازارها اندکی افزایش یافته، اما صادرات نفت ایران کاهش یافته است. واشنگتن حاضر است هزینه یک میلیارد دلاریِ ماهانه برای حفظ محاصره دریایی را بپردازد تا مانع از آن شود که ایران کنترل تنگه هرمز را در دست بگیرد. محاصره‌ی نه‌چندان کاملِ مرزها و آب‌های ایران همچنان ادامه خواهد یافت.

حملات هوایی ایالات متحده به تأسیسات غیرنظامی و نظامی در جنوب ایران، با واکنش‌هایی از سوی ایران روبرو شده که گاه متناسب و گاه — به طور پراکنده — نامتناسب بوده‌اند. حملات هفته گذشته به بحرین و کویت بسیار شدید بودند. آیا ایران در آستانه عملیاتی بزرگ‌تر، در حال محک زدن ایالات متحده است؟ یا تهران صرفاً به انتقاداتی پاسخ می‌دهد که می‌گویند ایران اجازه داده است مناطق جنوبی به کیسه بوکس تبدیل شوند؟ منتقدان در شبکه‌های اجتماعی می‌پرسند: «آیا جنوب کم‌اهمیت‌تر از شمال است؟»

جنوب متحمل آسیب‌های سنگینی شده است. حملات به استان هرمزگان، معیشت و زندگی مردم را ویران کرده است. پیامدهای زیست‌محیطیِ ناشی از تخلیه هزاران تن مواد شیمیایی در خلیج فارس، تا سال‌ها بر صنایع شیلات و گردشگری ایران تأثیر منفی خواهد گذاشت.

«بی‌نظمیِ» مدنظر ماکیاولی در ایران رو به گسترش است: فشارهای اجتماعی-اقتصادیِ پیش از جنگ، با وقوع جنگ تشدید شده‌اند. هر خانواده ای نگران آینده خود است. مجتبی خامنه‌ای، رهبر عالی ایران، اظهار داشته که وضعیتِ «نه جنگ، نه صلح» نمی‌تواند ادامه یابد. آیا این سخن به اقدام عملی منجر خواهد شد.

اقدام پیش‌دستانه در برابر اقدام پیشگیرانه

جنگ پیش‌دستانه با جنگ پیشگیرانه متفاوت است. جنگ‌های پیشگیرانه — نظیر جنگ عراق و «جنگ ۱۲ روزه» علیه ایران در ژوئن ۲۰۲۵ — به تهدیداتی می‌پردازند که ممکن است در آینده‌ای مبهم تحقق یابند. در مقابل، جنگ‌های پیش‌دستانه پاسخی به تهدیدات آشکار و قریب‌الوقوع هستند. پروفسور کالین گری می‌نویسد: «وقتی دولتی دست به اقدام پیش‌دستانه می‌زند، در واقع میانِ دریافتِ ضربه نخست یا وارد کردنِ ضربه نخست، یکی را برگزیده است». اینکه ایران با خطری آشکار و بالفعل روبروست، امری غیرقابل انکار است

تهران گزینه تهاجم را بررسی می‌کند

سرلشکر یحیی رحیم صفوی ، که پس از سرلشکر محسن رضایی فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را بر عهده گرفت، در اوت ۲۰۲۵ آشکارا خواستار یک «استراتژی تهاجمی» شد و اظهار داشت: «ما معتقد یم هر کس خواهان صلح ا ست باید برای جنگ آماده شود، و بهترین ابزار دفاع، تهاجم است.»

کاظم غریب‌آبادی، معاون وزیر امور خارجه ، در ۱۵ نوامبر ۲۰۲۶ در تلویزیون ایران گفت که ایران «منتظر نمی‌ماند تا ایالات متحده ابتدا حمله کند» و افزود که آمریکا «ممکن است با سوءاستفاده از د یپلما سی به دنبال خرید زمان با شد تا زمینه را برای حمله‌ای دیگر فراهم کند.»

مقامات ایرانی به‌طور معمول بیانیه‌هایی پرطمطراق صادر می‌کنند و فرماندهان سپاه پاسداران از پاسخ‌هایی «ویرانگر» و «بدون محدودیت جغرافیایی » سخن می‌گویند. اما تاریخ راهنمای ماست: از اول آوریل ۲۰۲۴ (حمله اسرائیل به سفارت ایران در دمشق) تاکنون، تهران صرفاً منتظر مانده است تا مورد حمله قرار گیرد . واکنش‌های ایران به حملات، از سطح متوسط تا اقداماتی سنجیده و حساب‌شده متغیر بوده است.

عمل کردن به شیوه‌ای نظام‌مند — همان‌طور که نیروهای مسلح ایران در پا کسازی خلیج فارس از پایگاه‌های ایالات متحده عمل کردند — با بی‌رحمی و جسارتِ بی پروا متفاوت است. آن‌ها با به حداقل رساندن تلفات نیروهای آمریکایی، در واقع نوعی ضعف از خود نشان دادند. آیا رهبران تهران از جسارت جمعی لازم برای صدور فرمان یک جنگ پیش‌دستانه و «ویرانگر» برخوردارند؟

موازنه نظامی

دشمن درس‌های سختی آموخته است . پایگاه‌های موشکی ایران غیرقابل دسترس هستند. هزاران تن مهماتی که در «جنگ رمضان» به کار رفت، ثابت کرد که این پایگاه‌ها با سلاح‌های متعارف قابل نابودی نیستند. از اواسط اکتبر، نیروی هوافضای سپاه پاسداران به‌طور روزانه اقدام به آزمایش موشک کرده ا ست؛ به طوری که تاکنون حدود(۱۰۰) موشک از تمامی پایگاه‌ها و «شهرهای موشکی» شناخته‌شده در ایران پرتاب شده‌اند.

این آزمایش‌ها چندین هد ف را دنبا ل می کنند: ارزیابی بهبودهای صورت گرفته در سامانه‌های موشکی، نشان دادن اینکه تمام پایگاه‌ها عملیاتی هستند، و فریب دادن دشمن به گونه‌ای که تصور کند تدارکات برای یک حمله واقعی، صرفاً یک آزمایش دیگر است — تا زمانی که دیگر کار از کار گذشته باشد.

علاوه بر این، هفته گذشته از یک «شهر موشکی» جدید نیز رونما یی شد. این ویدیو موشک‌های جدید، اصلاحاتی در مدل‌های موجود، و یک موشک کروز جدید را به نمایش گذاشت؛ موشکی که ظاهراً نسخه ای است که با مهندسی معکوس از روی یک موشک آمریکایی AGM-158 JASSM (که پیش‌تر رهگیری شده بود) ساخته شده است.

تاب‌آوری اجتماعی - سیا سی ایران از(۲۸ فوریه) به این سو ، در کنا ر زراد خانه موشکی‌اش، واشنگتن و تل‌آویو را نگران و ناآرام کرده ا ست. در همین حال، اسرائیل با آشفتگی‌های داخلی و عدم تأیید و سرزنش‌های بین‌المللی دست به گریبا ن است. ذ خایر تسلیحات تهاجمی و تدافعی ایالات متحده نیز به دلیل جنگ با ایران کاهش یافته است (نگاه کنید به: CSIS، Statista، و مرکز سوفان).

در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۶ ، «هانگ کائو»، سرپرست وزارت نیروی دریایی ایالات متحده، اذعان کرد که ارتش این کشور در جریان جنگ با ایران ، مهماتی را که پیش‌تر غیرقابل استفاده بودند، بازسازی (بازکدگذاری) و شلیک کرده است.

توانمندی‌های موشکی بالستیک و کروز تهران در فاصله سال‌های ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۶ در میدان نبرد آزموده شده و در مواردی که کاستی‌هایی مشاهده می‌شد، ارتقا یافته‌اند. ایران همچنان به تولید موشک و افزایش ذخایر خود ادامه می‌دهد، اما ایالات متحده قادر نیست همگام با این روند پیش برود. در نتیجه، کفه ترازو به نفع ایران سنگینی می‌کند.

این عدم توازن — که در آن نقاط قوت ایران رو به فزونی است و توانمندی‌های دشمن رو به افول — تهدید جد ید ی را برای جمهوری اسلامی پدید می آورد . کا رل فون کلاوزویتس در کتاب «در باب جنگ» می‌نویسد: «بنابراین ، مسئله، مسئله برتری است. هرگونه کاهش [یا افزایش] در توان یک طرف، می‌تواند به منزله افزایش [یا کاهش] در توان طرف دیگر تلقی شود.»

تل‌آویو هرگز اجازه نخواهد داد که ایران به برتری مطلق بر اسرائیل یا هژمونی (سلطه) بر خلیج فارس د ست یابد. ارتش اسرائیل به خوبی از قدرت رو به رشد و اعتمادبه‌نفس فزاینده ایران آگاه است.

با توجه به تهدیدهای واشنگتن مبنی بر استفاده از بمب‌های MOAB (مادر بمب‌ها) یا بمب‌های هسته‌ای علیه «کوه کلنگ گا زلا» (Pickaxe Mountain)، و همچنین افشای وجود بمب هسته‌ای B94، تهران باید انتظار داشته باشد که دشمن ممکن ا ست تأسیسات هسته‌ای و/یا پایگاه‌های موشکی را هدف حملات هسته‌ای قرار دهد.

آیا به نفع ایران است که با نابود کردن بقایای پایگاه‌های ایالات متحده در خلیج فارس و اردن، دست به اقدام پیش‌دستانه بزند؟ آیا چنین اقدام پیش‌دستانه‌ای می‌تواند از یک فاجعه

هسته‌ای جلوگیری کند، یا برعکس، موجب وقوع آن خواهد شد؟ این تصمیمی است که باید توسط عالی‌ترین مقامات سیاسی و نظامی ایران اتخاذ شود.

آزمون هوش

دشمن در ژوئن ۲۰۲۵ و فوریه ۲۰۲۶ شکست خورد زیرا فرضیاتش به طرز مهلکی ناقص بودند. بی. اچ. لیدل هارت خاطرنشان می‌کند که هدف استراتژی «کاهش احتمال مقاومت [تاکتیک‌های حریف] است و با سوءاستفاده از عناصر حرکت و غافلگیری به دنبال تحقق این هدف است.»

«حرکت و غافلگیری» هارت در تحلیل «حلقه OODA» جان بوید نیز تکرار شده است، جایی که پیروزی با نفوذ به حلقه OODA حریف برای ایجاد سردرگمی و فلج شدن پیش می‌رود.

دشمن در ۱۳ ژوئن و ۲۸ فوریه حلقه OODA ایران را هدف قرار داد، با این فرض که حذف رهبری نظامی و سیاسی آن باعث فلج، هرج و مرج داخلی و تجزیه ایران می‌شود. در عوض، ایرانیان متحد شدند. ایران به هرج و مرج کشیده نشد. حسن احمدیان در مورد این موضوع و دکترین‌های در حال تکامل ایران نوشته است.

اینجا درسی برای ایران وجود دارد. تهران نمی‌تواند بر اساس فرضیات، حمله اول را انجام دهد. اطلاعات و تحلیل‌هایی که به نفع حمله پیشگیرانه هستند، باید در دسته «اطمینان بالا» یا «تقریباً قطعی» طبقه‌بندی شوند.

دلیل حمله اولیه

مزایای حملات پیشگیرانه متعدد است.

اول،دشمن ازخود راضی است.می‌داندکه ایران منتظر حمله است -برخلاف اسرائیل. غافلگیری از جانب ایران است.

دوم، واکنش‌های ایران، اگرچه در تخریب پایگاه‌های ایالات متحده مؤثر بود، اما برای به حداقل رساندن تلفات ایالات متحده تنظیم شده بود. از 28 فوریه، 23 پرسنل آمریکایی در عملیات کشته شده‌اند (KIA). واگ‌ها در X گفتند: «اعداد آماتور».

در مقابل، در اوج جنگ عراق، KIA ماهانه از 70 تا 137 متغیر بود. جنگ ایران هزینه انسانی نسبتاً کمی را به آمریکایی‌ها تحمیل کرده است. اگر این پویایی به طرز چشمگیری تغییر کند، تمایل واشنگتن برای ماندن در غرب آسیا و خفه کردن تدریجی ملت

ایران از طریق جنگ، تحریم‌ها و محاصره نیز تغییر خواهد کرد. «شما رش اجسا د» و تصاویر گرافیکی از عراق، افکار عمومی ایالات متحده را تغییر داد.

جنگ ایران در حال حاضر در ایالات متحده منفور ا ست. در همین راستا، سعید جلیلی، مذاکره‌کننده پیشین هسته‌ای ایران و دبیر سابق شورای عالی امنیت ملی ، گفته است: «هدف این است که خصومت با ملت ایران چنان پرهزینه شود که د شمن حتی فکر آن را هم به سر راه ندهد.» بازدارندگی مطلق بدین معناست که دشمن، حتی اگر بخواهد، جرأت حمله به خود راه ندهد. ایران می تواند از طریق تحمیل تلفات سنگین، به «بازدارندگی مطلق» دست یابد. تجربه جنگ عراق دلیل آن است که واشنگتن از تهاجم زمینی به ایران هراس دارد.

سوم اینکه، ایران نیازمند لغو تحریم‌ها و دریافت غرامت است. نباید به ایالات متحده اجازه داد که «بدون پرداخت هزینه و غرامت، منطقه را ترک کند.» آمار کشته‌شدگان و اسرای جنگی آمریکایی (در صورت اسیر شدن)، مبنای مذاکرات صلح و لوایحی خواهند بود که باید در کنگره به تصویب برسند.

چهارم، تا زمانی که ایالات متحده حتی جای پایی در منطقه خلیج فارس داشته باشد، این منطقه روی آرامش و شکوفایی را نخواهد دید. مأموریت پاکسازی منطقه از پایگاه‌های آمریکایی هنوز به پایان نرسیده است. جنگنده‌های نیروی هوایی آمریکا که کشتی‌ها را در عبور از تنگه همراهی می‌کنند، از پایگاه‌هایی در اردن و کشور های عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) به پرواز درمی‌آیند. اگر بقایای پایگاه های آمریکا حذ ف شوند، ایران کنترل تنگه هرمز را به دست خواهد گرفت. این امر به تهران اجازه می‌دهد تا شرایط خود را به ایالات متحده، بریتانیا / اتحادیه اروپا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دیکته کند.

پنجم، ایران می‌تواند نظام‌های حاکم در بحرین و کویت را تغییر دهد. خاندان‌های حاکم «آل‌صباح» و «آل‌خلیفه» بدون حمایت ایالات متحده دوام نخواهند آورد . هر دو خاندان مدت‌هاست که با ایران و شیعیان خصومت ورزیده‌اند. تهران همچنین به احتمال تهاجم زمینی به کویت اشاره کرده است؛ اقدامی که می‌تواند فرصتی برای به اسارت گرفتن پرسنل نظامی آمریکا فراهم کند.

بزرگ‌ترین خطرِ یک حمله پیش‌دستانه ویرانگر — همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد — این است که ترامپ یا بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر موقت اسرائیل، ممکن است به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای متوسل شوند.

---------- با تقدیم سلامها «21-11-2026»